

زنان ایرانی و نقشی آنان در گسترش حدیث و علوم آن

دکتر نهله غروی نائینی

(دانشیار دانشگاه تربیت مدرس)

n-naeeni @ yahoo.com

چکیده: از اوایل قرن سوم هجری زنان و مردان ایرانی با پذیرش اسلام به فراگیری و ضبط و ثبت و آموزش احادیث معصومان (ع) پرداختند و از این رهگذر نام آورانی در این میدان ظهور کردند. زن ایرانی به دنبال ایمان و اعتقادش به دین اسلام، از زمان تشرف به آن تاکنون در یادگیری و یاددهی علوم و آگاهی‌های حاصل از احادیث چهارده معصوم (ع) کوتاهی نکرده است.

در این مقاله کوشیده‌ایم تا با استفاده از کتب رجال و اعلام، زنانی را که در فراگیری و نقل و انتقال حدیث و علوم آن نقش بسزایی داشته‌اند، معرفی کنیم. از این رهگذر، حدود ۱۴۰ نام مشهور و مذکور در کتاب‌ها به دست آمده است، البته تعداد زنان عالم و فقیه ایرانی بیش از این تعداد بوده‌اند، لکن به دلایلی در ضبط نام و احوال آن‌ها کوتاهی شده است. بررسی کتب تراجم و رجال نیز حاکی از تعداد بیشتر زنان عالم ایرانی است، اما چون در این مقاله به مسئله حدیث توجه شده است، از آوردن نام بسیاری از بانوان عالم همچون مریم بیگم مجلسی و مادرش زینب بیگم دختر شیخ محمد صالح مازندرانی که در شرح حالشان مطلبی در خصوص حدیث یافت نشده، خودداری کرده‌ایم.

کلید واژه‌ها: علوم حدیث، زن ایرانی، کتب رجال

مقدمه

در حدود سال‌های (۳۱-۱۴ ه. ق) با غلبه نظامی اسلام بر ایران، ایرانیان به تدریج با مسلمانان و دین اسلام آشنا شدند. این آشنایی و ارتباط و ورود مسلمانان دیگر به این سرزمین سبب شد که اقوام ایرانی به تدریج به دین جدید تمایل پیدا کنند. بر مبنای مطالعات و بررسی‌ها ایرانیان به تدریج با آشنا شدن با دین اسلام و انس گرفتن به عقاید و احکام اسلام و شناخت حقایق آن و آگاهی از جایگاه و شخصیت ائمه و فرزندان ایشان که در نقاط مختلف ایران به سبب لطف و عنایت الهی حضور یافتند به این دین الهی روی آوردند.

به قول استاد شهید مطهری «اغلب ایرانیان از اوایل قرن سوم هجری به بعد مسلمان شدند و تا آن زمان هنوز بسیاری از مردم ایران به کیش و آیین قدیم زردشتی، مسیحی، صائبی و حتی بودایی باقی بوده‌اند... بیشتر مردم کرمان در تمام مدت خلفای اموی زردشتی ماندند و مردم طبرستان تا سیصد سال پس از هجرت هنوز دین جدید را نپذیرفتند» (مطهری ۱۳۶۲: ج ۱، ۱۰۵).

ایرانیان آن‌گاه که به آیین اسلام گرویدند، همواره به حمایت از اسلام پرداختند و در میدان‌های مختلف علوم اسلام گام نهادند. در زمینه خدمات فرهنگی ایرانیان به اسلام و سرزمین‌های اسلامی، پژوهشگران و نویسندگان مطالب زیاد نوشته‌اند، و بیشتر آنان به فلسفه، حکمت، عرفان و تصوف، علوم طبیعی، و نجوم و هنر نظر داشته و کمتر به حدیث و علوم آن پرداخته‌اند؛ استاد مطهری نیز در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران، ۱۰۰ صفحه را به حکمت و فلسفه، ۲۵ صفحه را به عرفان و تصوف و حدود ۱۰ صفحه را به حدیث اختصاص داده است.

زن در مقام مادر، همسر یا خواهر در خدمات علمی مردان جامعه شریک است زیرا به قول امام خمینی (ره) «از دامن زن مرد به معراج می‌رود» و زن است که پرورنده و تربیت‌کننده مردان بوده و بار خدمات و زحمات و رنج‌ها و تحمل سختی‌های مردان را در طول تاریخ به دوش کشیده و همپای مرد خویش دل سوزانده است. لکن تاریخ نویسان و سیره نویسان و نویسندگان کتاب‌های رجالی به نقش زن در زمینه‌های مختلف چندان توجهی نکرده‌اند.

در این مقاله، به معرفی زنانی می‌پردازیم که به طور مستقیم در تعلیم، تعلّم و پیشبرد حدیث و علوم آن سهیم بوده‌اند و نه تنها محدث بلکه از نظر اخلاقی و معنوی افرادی سرآمد قلمداد شده‌اند؛ به همین سبب از آوردن نام افرادی چون قرّة العین دختر شیخ محمد صالح قزوینی، زنی عالم، فاضل، شاعر و ادیبی بزرگ و محدثی بصیر الکلام که مفسر و حافظ قرآن در قرن ۱۳ بود، به سبب انحراف وی خودداری کرده‌ایم.

با بررسی زندگی برخی از این بانوان خواهیم دانست که در همان دورانی که سرزمین‌های غرب در جهالت و نادانی به سر می‌برد، افرادی چون ابوسعید عبدالکریم سمعانی (د. ۵۶۲ ه. ق) — که برای شنیدن اخبار علمی و احادیث به شهرهای مختلف سفر می‌کرد — از تعدادی چشمگیری از این بانوان استماع حدیث و کسب علم کرد.

البته در کتاب‌هایی چون اعلام النساء، نوشته عمر رضا کحاله؛ ریاحین الشریعه، تألیف شیخ ذبیح الله محلاتی؛ اعلام النساء المؤمنات، نوشته حسّون و محدثات شیعه، تألیف نهله غروی نائینی زنان بسیاری را در طول چهارده قرن تاریخ اسلامی معرفی شده‌اند، در این مقاله به زنانی پرداخته‌ایم که در فراگیری و انتقال حدیث و علوم آن تبحر داشتند و نقش مؤثری ایفا کردند و نامشان در میان اوراق کتاب‌های مختلف آمده است؛ زنانی که استماع حدیث یا نقل روایت کرده‌اند یا تدریس و نقل حدیث می‌کردند یا تألیفی در حدیث یا حاشیه‌ای بر یک اثر حدیثی یا دارای اجازه نقل حدیث داشتند یا به دیگران اجازه نقل حدیث داده‌اند.

در این مقاله زنان راوی و عالم به حدیث و علوم آن را به چهار گروه (قرن اول تا چهارم، پنجم تا هفتم، هشتم تا دهم و بالاخره قرن یازدهم تا چهاردهم) تقسیم کرده‌ایم و کوشیده‌ایم تا حد امکان در هر قسمت نام آنان را به ترتیب تقدم زمان وفات مرتب کنیم.

زنان نامی در علوم حدیث

با پیشرفت آیین اسلام در ایران، ایرانیان به علوم اسلامی و از جمله حدیث و علوم آن روی آوردند و به مرور زمان بر تعداد آنان افزوده شد، به گونه‌ای که در سده اول، ۱۱ نفر؛

در سده دوم، ۴۰۹ نفر؛ در سده سوم، ۲۳۰۹ نفر و در سده چهارم، ۳۵۲۱ نفر در این وادی از علم اسلامی ظهور یافتند و در نقل و نشر حدیث معصومین (ع) همت گماردند (تهامی ۱۳۸۰: ۲۷).

از آن جا که محدثان ایرانی در فراگیری و تعلیم، گردآوری و نقد حدیث و فراهم آوردن مجموعه‌های حدیثی در میدان علوم اسلامی درخشیده‌اند و آثار گرانبها و جاودان بر جای نهادند؛ زنان ایرانی نیز احادیث بسیاری در زمینه‌های مختلف: فقهی، اخلاقی، اجتماعی، تفسیری.... فراگرفته و ثبت و ضبط کردند و بر دیگران نقل نمودند. اما به دلایل مختلف نام آنان در میان نام رجال کمتر به چشم می‌خورد و در کمتر کتابی نام زنان عالم یا محدث ایرانی آمده است. مثلاً در کتاب ذکر اخبار اصفهان در میان نام ۱۹۲۲ از علما و محدثان فقط نام دو زن در انتهای نام‌ها آمده است و در کتاب طبقات المحدثین نام هیچ مؤنثی نیامده است و در کتاب معجم المؤلفین تنها نام حضرت فاطمه (س) آمده است.

نام این عالمان در چهار طبقه (قرن اول تا چهارم، پنجم تا هفتم، هشتم تا دهم و بالاخره قرن یازدهم تا چهاردهم) بدین گونه است:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

زنان قرن اول تا چهارم

۱. ام عبدالرحمان جرجانی (د. قرن ۳) که از موسی بن سندی روایت کرده است (تهامی ۱۳۸۰: ۴۳).

۲. فاطمه سعدویه نیشابوری بنت ابراهیم بن عبدالله (د. قرن ۳) که از پدرش روایت کرده است. (همان‌جا).

۳. هبة العزیز (ام‌الفضل جرجانی) که در سال ۳۱۷ در قید حیات بوده است. دختر احمد بن عبدالرحمن بن عبدالمؤمن از محدثان جرجان است که از علی بن محمد بن حاتم قوسی حدیث شنید و از او روایت کرد (همان‌جا).

۴. فاطمه دختر عبدالعزیز قزوینی، محدثی که در حوالی سال ۳۴۶ ه. ق در قید حیات بود و از ابوالحسین احمد بن علی جوهری و ابوطاهر محمد بن نصر خطیب و قاضی

- ابوالفضل محمد بن عیسیٰ سعدی استماع حدیث می‌کرد و ساکن صور (از بلاد لبنان) بود و ابوالفرج بن بنت کاملی از او استماع حدیث کرد (کحاله ۱۴۰۴: ج ۴، ۷۴).
۵. جمعة دختر احمد بن محمد بن عبیدالله (ام‌الحسین نیشابوری) که در ۳۶۷ هـ. ق در همدان، حافظ ابو احمد و ابوبکر طرازی حدیث نقل کرد و ابو محمد خلال و عبدالعزیز بن ازجی از او روایت کرده‌اند (همان، ج ۱، ۶۹).
۶. سعیده بنت احمد بن محمد بن شعیب بکر ابادی جرجانی (د. قرن ۴) از ابونعیم عبدالملک بن محمد بن عدی روایت کرد (تهامی ۱۳۸۰: ۴۳).
۷. فاطمه بنت ابی بکر عبدا... بن ابی داود (ام سلمه سجستانی = د. قرن ۴) نواده ابوداود سجستانی، صاحب سنن بود و از پدرش روایت می‌کرد، ابوالقاسم عبدالواحد بن زوح الحرة محمد بن جعفر و دیگران در سال ۳۶۲ از او استماع حدیث کرده‌اند (کحاله ۱۴۰۴: ج ۴، ۶۹).
۸. فاطمه بنت علی بن نعمان کبوذ نجکتیه (زنده در سال ۳۸۰) از پدرش و نصر بن رسول یزدانی روایت می‌کرد و ابوسعید ادریسی در کبوذ نجکت، از قراء سمرقند از او حدیث شنید و نوشت (تهامی ۱۳۸۰: ۴۴).
۹. فاطمه بنت احمد بن محمد بن عبدالکریم جرجانی (د. قرن ۴) از پدرش روایت می‌کرد (همان جا).
۱۰. لیلی بنت احمد بن مسلم بن شعیب (ام‌البهاء) مدینه اصفهانی (د. قرن ۴) که از پدرش و طبرانی صاحب معاجم روایت می‌کرد (همان جا).
۱۱. ام سلمه (اسماء) دختر احمد بن محمد بن شاذه مؤدب اصفهانی بود که در قرن چهارم هجری در قید حیات بود. خاندانش اهل علم و حدیث بودند. این بانو و برادرش ابوالحسین محمد بن احمد، از ابو محمد عبدالله بن محمد بن جعفر بن حبان استماع حدیث می‌کردند. قاضی نورالله شوشتری در کتاب احقاق الحق حدیثی از قول ام سلمه (اسماء) و برادرش در باب فضیلت پیامبر (ص) و علی بن ابیطالب (ع) در مقام برگزیدگان خداوند در زمین نقل کرده است (ریاحی ۱۳۷۵: ۲۰).

۱۲. جمعه، ام‌البهاء دختر ابوالرجاء بشار از زنان نیکوکار، فقیه و حدیث شناس اصفهان بود که در آغاز مکتب خانهای را اداره می‌کرد. علم حدیث را نزد استادان اصفهانی و سپس اساتید خراسانی و عراقی آموخت و خود در شمار آموزگاران این علم درآمد (فرخزاد ۱۳۷۸: ۶۸۴).

۱۳. عافیه دختر یزید بن عجلان و همسر ابوسعید عصام بن یزید عجلان، معروف به جبر، از زنان عابد و پرهیزگار زمان خویش بود. نیاکان او اهل کوفه بودند اما پدر و خانواده وی همه در اصفهان زاده شدند و در آنجا زیستند. وی از همسرش حدیث نقل کرد و حافظ ابونعیم (د. ۴۳۰) حدیثی از رسول خدا(ص) از این بانو نقل کرده که این حدیث به سفیان ثوری و بانچند واسطه به ابن عباس می‌رسد (ابونعیم اصفهانی ۱۴۱۰: ج ۲، ۳۴۶).

۱۴. طافیه دختر علی بن حسین ابوالفرج اصفهانی، مورخ، شاعر که در جلسات درس احادیث پیامبر حضور می‌یافت (کحاله ۱۴۰۴: ج ۲، ۳۶۴).

پس از معرفی زنان ایرانی عالم تا قرن چهارم هجری، با زنانی آشنا می‌شویم که در قرن پنجم و ششم و هفتم هجری زندگی می‌کردند و در فراگیری حدیث و انتقال آن نقش داشته‌اند.

زنان قرن پنجم تا هفتم

۱۵. دختر سید مرتضی علم‌الهدی (د. ۴۳۶ ق)، نامش معلوم نشده است. وی بانویی فاضل و جلیل‌القدر بود که کتاب نهج‌البلاغه را از عمویش سید رضی روایت می‌کرد، و بر اساس آن چه قطب راوندی در آخر شرحش بر نهج‌البلاغه آورده، شیخ عبدالرحیم بغدادی معروف به ابن‌الاخوة (د. ۵۴۸ ق)، این کتاب را از این بانو روایت کرده است (افندی اصفهانی ۱۳۶۶: ج ۵، ۴۰۹؛ کحاله ۱۴۰۴: ج ۲، ۲۹۵).

۱۶. ام‌البهاء (لیلی) دختر احمد بن مسلم بن شعیب ولادی مدینی (د. ۴۶۰ هـ) بود که در قرن پنجم زندگانی می‌کرد. بنا به نوشته ابونعیم (د. ۴۳۰ هـ) لیلی از پدرش و از شیخ ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی (صاحب سه معجم، د. ۳۶۰) در اصفهان حدیث روایت

کرده است. متن حدیث وی از پدرش با سند وی از نعمان بن بشیر از رسول الله است. ۱۷. ام الحسن (عایشه و رکائبه) دختر حسن بن ابراهیم ورکائی، از مشهورترین علما، دانایان و واعظان زمان خویش بود. این بانو از ابو عبدالله محمد بن اسحاق بن منده اصفهانی معروف به حافظ، استماع حدیث کرد. به گفته سمعانی، جمعی از مردان و زنان همعصر وی، محضرش را درک کردند، از جمله: ام الرضا (ضوء) دختر محمد بن علی حبال (نوه اش)، ابوالعزّ حسن بن هادی بن حسن علوی و ابومنصور حسین بن طلحه صالحانی. عایشه در سال ۴۶۰ هجری وفات یافت.

۱۸ و ۱۹. دختران شیخ طوسی - ابوجعفر بن حسن طوسی (د. ۴۶۰). دو بانوی فاضل و عالم بودند که برخی از علما به ایشان اجازه روایت دادند. چه بسا برادرشان شیخ ابوعلی و پدرشان شیخ طوسی به آن‌ها اجازه روایت دادند (افندی اصفهانی ۱۳۶۶؛ کحاله ۱۴۰۴: ج ۵، ۲۸).

۲۰. أمّة الرحیم، کریمه دختر ابوالقاسم قشیری، در سال ۴۳۲ هجری به دنیا آمد. مادرش فاطمه از بانوان آگاه و دانشمندان زمان خویش بود. وی در مکتب مادر و پدرش درس خواند و حدیث آموخت. از تقوای زیاد و علم فراوان، مورد احترام اهالی نیشابور بود که بسیاری از مشایخ شهر برای فیض بردن از صحبت او به مجلسش حاضر می شدند. کریمه که همسر اسماعیل بن غافر فارسی و مادر عبدالقافر - مؤلف علم سیاق، که از مادرش حدیث شنید - بود. این بانو در جمادی الآخر سال ۴۸۶ درگذشت (فرخزاد ۱۳۷۸: ۱۴۱).

۲۱. ام الکرام (فخرالنساء) اصفهانی که در قرن پنجم هجری می زیست، دختر ابوالفضائل اسعد بن ابواحمد قاضی اصفهانی، از خاندانی بود که در اصفهان به علم فقه و حدیث اشتهار داشتند. وی از ابوسعید رجاء بن عبدالواحد استماع حدیث کرد (سمعانی ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۳۴؛ ریاحی ۱۳۷۵: ۲۰).

۲۲. عایشه دختر ابوسعید بن محمد صفار صوفی نیشابوری که حدود سال ۴۴۰ به دنیا آمد، از زنان محدث بود که از پدرش حدیث فرا گرفت و ابوسعید سمعانی (د. ۵۶۲) احادیثی از او اخذ کرد (کحاله ۱۴۰۴: ج ۳، ۱۳۶).

۲۳. ام‌البهاء (خجسته) دختر ابوالمظفر بن ابوالفتوح بن ماجد اصفهانی بود که در سال ۴۰۵ زاده شد. در مجلس درس شجاع بن علی مُصقلی حضور یافت. ابوسعد سمعانی چند حدیث از او فرا گرفت (سمعانی ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۰۴؛ ریاحی ۱۳۷۵: ۲۰).
۲۴. ام‌الولید دختر ابوالعباس احمد بن مطهر مشهور به خطیب دلیجانی اصفهانی، از زنان دانشمند زمان خویش (قرن ششم) بود و برای روایت حدیث از بزرگان کسب اجازه کرد و افراد در حضور وی استماع حدیث کردند (ریاحی ۱۳۷۵: ۱۱۷).
۲۵. ام‌احمد دختر عایشه دختر سعید نیشابوری، از مادرش عایشه روایت کرده است (کحاله ۱۴۰۴: ج ۱، ۲۲).
۲۶. ضواء الصباح دختر ابوالعباس احمد بن مطهر مشهور به خطیب دلیجانی اصفهانی از زنان دانشمند زمان خویش (قرن ششم) بود و برای روایت حدیث از بزرگان کسب اجازه کرد و افراد در حضور وی استماع حدیث کردند (ریاحی ۱۳۷۵: ۱۱۷).
۲۷. ملیکه (ملیله) دختر ابوالحسن نیشابوری، محدثی که از فضل بن محب روایت کرده و عبدالرحمن بن سمعانی^۱ از او روایت داشته است (کحاله ۱۴۰۴: ج ۴، ۱۰۹).
۲۸. لامعه دختر ابوالعباس احمد بن مطهر مشهور به خطیب دلیجانی اصفهانی از زنان دانشمند زمان خویش (قرن ششم) بود و برای روایت حدیث از بزرگان کسب اجازه کرد و افراد در حضور وی استماع حدیث کردند (ریاحی ۱۳۷۵: ۱۱۷).
۲۹. فاطمه دختر حسن بن احمد بن ابونصر رندخانی سرخسی، محدثی با صلاحیت و دیندار، نیکوکار و مشهور که در قریه رندخان (در یک فرسنگی سرخس) در حدود ۴۸۰ هـ. ق به دنیا آمد و از ابوبکر محمد بن سمعانی حدیث شنید و در سال ۵۲۳ در سرخس زندگی را بدرود گفت (کحاله ۱۴۰۴: ج ۴، ۴۱).
۳۰. فاطمه دختر عبدالله بن احمد بن قاسم جوزدانی اصفهانی، محدثی متدین، با صلاحیت که در حدود سال ۴۳۰ هجری یا قبل از آن به دنیا آمد و از ابوبکر بن ربذة، معجم کبیر و صغیر طبرانی را تحدیث می‌کرد و در زمان خویش در روایت این دو کتاب و

۱. چنین نامی در فهرست اعلام یافت نشد، نیز با نام عبدالرحیم که کحاله می‌گوید در کتاب تاج العروس با نام عبدالرحیم آمده است، لکن عبدالکریم سمعانی در اعلام موجود است.

روایت کتاب الفتن نعیم بن حماد مروزی، سرآمد بود. حفاظ چندی از او روایت کردند و بر او حدیث قرائت کردند و از او استماع حدیث کردند؛ محمد بن احمد صیدلانی، محمد بن حامد مصری از او حدیث نقل کردند و احمد ضریر ارجانی از او حدیث شنید و زید بن حسن بن زید بن حسن بن زید حسینی، معجم صغیر طبرانی را نزد او سماع کرد و اسعد بن روح قسمت اول معجم کبیر را بر او قرائت کرد. محمد بن احمد بن نصر بن ابوالفتح، نوه حسین بن عبدالملک بن عبدالوهاب بن منده، معجم کبیر طبرانی را از او روایت می‌کرد و قرائت‌ام هانی، عقیقه دختر احمد فارفانیه ابن نقطه و دیگران را از طرف او خبر داده است. به سمعی روایت همه شنیده‌ها از خویش را اجازه داد و در اصفهان، روز چهارشنبه، ۲۴ رجب سال ۵۲۴ چشم از جهان فرو بست.

۳۱. ام الرضا (ضوء) اصفهانی دختر حمد بن علی حبال بود که به قول سمعی حدود سال ۴۵۰ به دنیا آمد و بانویی پاکدامن، نیکوکار و عابد بود که از مادر بزرگ پدرش، ام‌الحسن، عایشه دختر حسن بن ابراهیم ورکانی — معروف به عایشه ورکانیه — و پدرش ابوشکر استماع حدیث می‌کرد. وی همسر ابوالوفاء مدینی و مادر دو فرزند محدثش بوده است. سمعی نیز از فرزند این بانو، محمد بن ابوالوفاء مدینی حدیث شنیده است (سمعی ۱۳۹۵: ج ۱، ۲۴۸؛ ریاحی ۱۳۷۵: ۲۲).

۳۲. فاطمه (ام النجم) دختر احمد بن عبدالله سوذرجانی اصفهانی، محدثی متدین و با صلاحیت که حدود سال ۴۶۰ هجری به دنیا آمد. از ابوظاهر الدین محمد بن عمر نقاش استماع حدیث کرد و سمعی از او حدیث شنید و بالاخره بعد از سال ۵۳۱ از دنیا رفت (کحاله ۱۴۰۴: ج ۴، ۲۸).

۳۳. جحشه صالحانی در قرن ۵ ه. ق و همزمان با فاطمه جوزدانی (۴۳۴-۵۲۴ ق) در شهر اصفهان زندگی می‌کرد. از برخی بزرگان زمان خود استماع و روایت حدیث می‌کرد و برخی بزرگان از او حدیث روایت کرده‌اند. خواجه نظام الملک طوسی حدیث مشهور «علی مع القرآن و القرآن معه لا یفترقان حتی یردا علی الحوض» را از این دو بانو نقل کرده است (ریاحی ۱۳۷۵: ۱۴۱).

۳۴. فاطمه علوی اصفهانی، دختر ولید بن ناصر علوی اصفهانی، بانویی علویه

محدث بود که پس از عمر طولانی در سال ۵۳۳ هـ. ق فوت کرد. وی از ابوطیب عبدالرزاق، ابوالقاسم ابراهیم بن منصور، ابوعثمان عیار و دیگران روایت کرد. و سمعی در اصفهان از او حدیث ثبت کرد (کحاله ۱۴۰۴: ج ۴، ۱۴۹).

خجسته دختر ابوالمظفر بن ابوالفتوح بن ماجه اصفهانی، زن محدثی که در حدود سال ۴۵۰ هـ. ق به دنیا آمد و در مجلس (درس) شجاع بن علی صقلی شرکت می‌کرد و سمعی از او احادیث آسانی نوشته است (همان، ج ۱، ۳۱۸).

۳۵. تقیه دختر ابوالقاسم بن عمر اصفهانی، محدثی که در حدود سال ۴۸۰ هـ به دنیا آمد. مادرش ام‌البهاء (فاطمه) دختر ابوالفضل بن ابی سعد بن بغدادی بود. پدر مادرش — ابوسعید بغدادی — استاد سمعی بود. سمعی از او حدیث شنید، تقیه در سال ۵۴۱ از دنیا رفت (همان، ج ۱، ۱۷۵).

۳۶. طُرفه دختر عبدالله کرجی، محدثی متدین و با صلاحیت که از ابوالقاسم فضل بن احمد، معروف به ابن‌ابی‌حرب و دیگران حدیث شنیده و در سال ۵۲۹ به سمعی اجازه روایت داده است (همان، ج ۲، ۳۶۶).

۳۷. تقیه دختر مفضل بن عبدالحق اصفهانی، از محدثان نیمه اول قرن ششم هجری بود. وی از زبیر ابو عبدالله قاسم بن فضل ثقفی حدیث شنید و به سمعی در سال ۵۳۲ هـ. ق اجازه روایت داد (همان، ج ۱، ۱۷۵).

۳۸. عایشه، ام‌الفضل کسایی از زنان فقیه روستایی به نام کسما است که در حمله‌های غزها به سال ۵۴۸ هجری ویران شد. او که در علم حدیث‌شناسی سرآمد همعصران خویش بود از زنانی است که در آن زمان اجازه تدریس و اجازه تأیید حدیث و روایت را داشت و بسیاری از بزرگان در محضر او درس خوانده و از دانشش بهره گرفته و از خرمن فضلش خوشه‌چینی کردند. عایشه در سال ۵۲۹ درگذشت (فرخزاد ۱۳۷۸: ۱۱۹۵).

۳۹. عایشه مرغینانی، دختر ابوالمظفر منصور بن احمد مرغینانی که در سال ۵۳۰ هـ. ق درگذشت از زنان آگاه در حدیث بود که در اواخر سده‌ی پنجم هجری قمری به دنیا آمد و

در سده ششم هجری در میدان حدیث چنان درخشید که به سمعانی اجازه روایت داد. مراتب علمی او در علم انساب مورد تأیید است (همان، ۱۱۹۷).

۴۰. خجسته (ام‌الشمس) اصفهانی، دختر ابراهیم بن عبدالوهاب بن محمد بن منده، بانوی محدث با صلاحیت، دیندار و نیکوکار که در اصفهان به سال ۴۷۰ زاده شد. از جدش ابن منده حدیث نقل می‌کرد و ابن عساکر (د. ۵۷۱ هـ) و سمعانی از او حدیث شنیدند (کحاله ۱۴۰۴؛ ج ۱، ۳۱۷).

۴۱. زینت دختر شیرون همدانی، بانوی محدثی که از پدرش و ابوالفتح عبدوس بن عبدالله و دیگران حدیث شنید و برای سمعانی اجازه روایت نوشت. وی حدود سال ۵۳۰ درگذشت (همان، ج ۱، ۳۰۵).

۴۲. شریفه، ام‌الکرم متولد سال ۴۷۷ هجری قمری دختر ابو عبدالله حمد بن فضل ساعد فراوی استاد دانشمند بزرگ سمعانی بود. در مراتب آگاهی از دانش فقه شیعه چنان پیش رفت که سمعانی در آثارش به روایات و احادیث او توجه زیادی نشان داد و آن‌ها را نقل کرد. این بانوی عالم، شاگردان بسیاری داشت و زن و مرد در محل درس او گرد می‌آمدند وی در سال ۵۳۶ درگذشت (فرخزاد ۱۳۷۸: ۱۱۹۷).

۴۳. فاطمه، ام‌السعد (۴۸۵-۵۴۹ هـ. ق) دختر روشنفکر ابونصر خلف بن طاهر بن محمد شحامی از خانواده شحامی نیشابور که همه افراد آن خانواده به تقریب از راویان حدیث بودند. فاطمه گاه در محل درس حاضر می‌شد و شاگردان بسیاری از علم او فیض می‌بردند (همان، ۱۲۲۶).

۴۴. حورستی دختر ناصر بن احمد بن محمد بن عبدالله العیاضی، بانوی محدثی که از پدرش حدیث یاد گرفت و سمعانی در سرخس احادیث وی را نوشت. این بانو در ربیع‌الآخر سال ۵۴۲ در سرخس از دنیا رحلت کرد (کحاله ۱۴۰۴؛ ج ۱، ۳۰۵).

۴۵. ظریفه دختر ابوالحسن بن ابی‌القاسم مأمونی طبری، محدثی فاضل، متدین و باصلاحیت که در بلخ از ابوالحسن عبدالواحد اسماعیل طبری حدیث شنید و سمعانی از او حدیث استماع کرد. او در روز جمعه، اواخر ربیع‌الآخر سال ۵۴۸ هجری دنیا را وداع کرد (همان، ج ۲، ۳۷۴).

۴۶. ظفر (ام الفتح) باثویه (بانویه) دختر ابو نصر کاتب اصفهانی، محدثی که از ابوطالب احمد بن محمد بن جعفر استماع حدیث کرد و به سمعی در سال ۵۳۲ هجری اجازه روایت داد (همان، ج ۲، ۳۷۵).

۴۷. ام الوفا (غالیه) اصفهانی دختر محمد، از زنان محدث زمان خویش بود که از هبة الله بن جتة احادیثی روایت کرد (ریاحی ۱۳۷۵: ۲۶).

۴۸. جلیله دختر علی بن حسن بن حسین شجری، محدثی که قاری قرآن کریم در سجستان بود، در سال ۴۸۵ به دنیا آمد و از سهل بن عبدالله قاری حدیث فراگرفت و در عراق و خراسان در پی کسب حدیث بود و به نوجوانان آموزش می‌داد و سمعی از او حدیث نوشته است (کحاله ۱۴۰۴: ج ۱، ۲۰۱).

۴۹. زینت دخت ابو نعیم عبیدالله بن حسن بن احمد حداد اصفهانی، در نیشابور زاده شد و پدرش او را به اصفهان برد، در آن جا از محمد بن عبدالواحد مصری و ابوعلی حداد جدش استماع حدیث کرد و در نیشابور از ابوعلی نصرالله بن احمد خشنامی حدیث شنید. سمعی او را زنی صالح و عقیف توصیف کرده است (سمعی ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۰۹؛ ریاحی ۱۳۷۵: ۱۹۵).

۵۰. خجسته، دختر محمد بن احمد بن علی حداد طهرانی، محدثی که از ابی شکر، حمد بن علی الحبال حدیث شنید و ابوسعید بن سمعی متوفای ۵۶۲ از وی حدیث شنید (کحاله ۱۴۰۴: ج ۱، ۳۱۸).

۵۱. جوهرناز دختر زاهر بن طاهر شحامی نیشابوری، محدثی که از ابوالحسن علی بن احمد مدینی مؤذن و ابوالعباس فضل بن عبدالواحد تاجر و ابوعلی نصرالله بن احمد خشنامی حدیث فراگرفت و سمعی از او حدیث شنید (همان، ج ۱، ۲۲۶).

۵۲. حورا (ام النجم) دختر محمد بن محمد بن منصور فضلویه اصفهانی و همسر ابوبکر محمد بن احمد بن علی خطیب بود. حورا از حبیب بن محمد بن احمد طبرانی حدیث شنید و سمعی از او حدیث استماع کرد (سمعی ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۰۲؛ ریاحی ۱۳۷۵: ۲۵؛ کحاله، ج ۱، ۳۰۵).

۵۳. فاطمه جوزانی اصفهانی یکی از معروف‌ترین زنان دین‌پرور و محدث سده پنجم

هجری قمری بود که عمر درازی کرد و در طول ۹۴ سال زندگی خود با احترام بسیاری زیست و از زنان کم بدیل اصفهان بود، او روایات بسیاری را از گذشتگان به درستی بازگو می‌کرد و بسیاری از حافظان حدیث برای شنیدن آن روایات از دور و نزدیک به دیدار او می‌آمدند. بنا بر گفته سمعی فقیه و مورخ و حافظ معروف حدیث، فاطمه جوزانی تنها زنی بود که می‌توانست روایات را تصدیق یا تکذیب کند. ابوسعید سمعی فقیه، از او حدیث می‌شنید و اجازه حدیث گرفت.

۵۴. کریمه، ام‌المحسن دختر ابونعیم احمد بن عبدالله از بزرگ زنان قرن پنجم هجری بود که تحت تعلیمات پدرش همانند وی در اصفهان به دانای در حدیث و تفسیر قرآن شهرت یافت و در زمان خویش از زنان بزرگ اصفهان به شمار می‌رفت.

۵۵. فاطمه (ام‌البهاء) دختر ابوالفضل بن ابوسعید بغدادی، مادر تقیه دختر ابوالقاسم بن عمر اصفهانی (مذکور در این مجموعه) از زنان محدث قرن پنجم بوده است. زینب دختر عبدالرحمن بن حسن جرجانی همه جزء سوم کتاب الزهد و کعب بن جراح و کتاب اربعین را به روایت فاطمه بغدادی و... سماع کرد (کحاله ۱۴۰۴: ج ۲، ۷۵؛ ریاحی ۱۳۷۵: ۱۳۷).

۵۶. آمنه بنت عباد بن علی بن حمزه بن طباطبا العلوی، محدثی از محدثان قرن پنجم و ششم هجری در اصفهان که از ابو محمد رزق الله تمیمی، حدیث شنیده است (کحاله ۱۴۰۴: ج ۱، ۱۴).

۵۷. آمنه بنت عبدالکریم بن عبدالرزاق الحسنا باذی، از زنان دیندار، شایسته و محدث قرن پنجم و ششم هجری اصفهان بود که از ابوحفص عمر بن احمد بن عمر سمسار اصفهانی حدیث شنید و عبدالکریم بن محمد سمعی در اصفهان از او حدیث فرا گرفت (همان‌جا).

۵۸. عاشورا (ام‌الضیاء)، دختر محمد بن فضل دیلمی اصفهانی، محدثی از محدثان قرن پنجم و ششم هجری. از ابوحفص عمر بن احمد سمسار حدیث استماع کرد و سمعی احادیثی ساده از او شنید (همان، ج ۳، ۲۲۰).

۵۹. فاطمه دختر علی بن موسی بن جعفر طاووسی حسینی، حافظ و کاتب بود که

قرآن را در سن کمتر از ۹ سالگی حفظ کرد. او از پدرش که متوفای سال ۴۶۴ هجری بود، روایت کرده است (کحاله ۱۴۰۴: ج ۴، ۸۴).

۶۰. عافیت اصفهانی از زنان حدیث دان قرن ششم هجری در شهر اصفهان بود که بزرگان آن زمان همانند سمعی از او در آثار خود روایاتی آورده‌اند (فرخزاد ۱۳۷۸: ۱۲۲۵).

۶۱. خدیجه دختر اسماعیل بن عمر نیشابوری، بانوی محدثی که حدیث را از پدرش و ابا عثمان سعید بن محمد بن احمد بحیری شنید و به سمعی در سال ۵۱۲ اجازة روایت داد (کحاله ۱۴۰۴: ج ۱، ۳۲۴).

۶۲. عافیه (ام الخیر) دختر حسین بن عبدالملک بن عبدالوهاب بن محمد بن منده عبدی اصفهانی، محدثی شایسته، متدین و پرهیزکار که از ابو عیسی عبدالرحمن بن احمد بن زیاد و ابوبکر بن احمد بن ماجه حدیث استماع کرد و سمعی از او حدیث شنید. در روز شنبه چهارم شوال سال ۵۳۲ (به قولی ۵۳۹) درگذشت (سمعی ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۲۵؛ کحاله ۱۴۰۴، ج ۳، ۲۲۱).

۶۳. رابعه (ام الفتوح) دختر معمر بن احمد لبنانی اصفهانی، محدثی که حدیث را نزد ابوالفضل مطهر بن عبید الواحد (عبدالواحد) بُزانی عنبری و ابوبکر بن ماجه ابهری و دیگران، شنید و سمعی از او حدیث شنید. وی در شب جمعه چهارم محرم ۵۳۴ از دنیا رفت (سمعی ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۰۷؛ کحاله ۱۴۰۴، ج ۱، ۴۳۵).

۶۴. شهر آرمیه (ام الکرام) اصفهانی (۴۷۶-۵۴۵ ه. ق)، ام الکرام قرشی (ام البهاء شهر آرمیه) دختر ابوالقاسم عبدالواحد بن عبدالواحد بن محمد بن فاخر قرشی اصفهانی و خواهر ابواحمد معمر بن عبدالواحد بود که از بزرگانی چون ابو محمد رزق الله تمیمی، ابوالحسین لاحق بن اسکاف، ابو احمد منصور بن بکر بن محمد و دیگران استماع حدیث کرد. برادرش از دوستان ابوسعید سمعی بود و سمعی به واسطه وی از ام الکرام احادیثی نگاشته است (ریاحی ۱۳۷۵: ۱۸).

۶۵. زلیخا دختر احمد بن محمد بن احمد اصفهانی، محدثی که از ابو محمد رزق الله تمیمی و ابو عبدالله قاسم بن فضل ثقفی و ابوالفوارس طراد زیبی و دیگران حدیث شنید و به

سمعی اجازة روایت داد و معمر مفید در سال ۵۴۵ از او حدیث نوشته است (کحاله ۱۴۰۴: ج ۲، ۳۲).

۶۶. سعیده دختر زاهد بن طاهر شحامی نیشابوری، محدثی عالم، متدین و با صلاحیت و عقیف که به سال ۴۶۷ یا ۴۶۸ هجری در نیشابور به دنیا آمد و از پدر بزرگش ابو عبدالرحمن طاهر و ابوسعید عبدالرحمن بن منصور ابن رامش و ابو عمر و عثمان المحمی و ابوبکر شیرازی و دیگران، استماع حدیث کرد. در نقل حدیث صحیح بی رقیب بود. سمعی در نیشابور جزءهایی حدیثی از او نوشت. سعیده در روز شنبه رمضان سال ۵۴۷، چشم از جهان فرو بست (همان، ج ۲، ۱۹۶).

۶۷. ستیک دختر عبدالغافر بن احمد فارسی نیشابوری، محدثی متدین و باصلاحیت که به سال ۴۷۷ در نیشابور به دنیا آمد. از جدش اسماعیل بن عبدالغافر فارسی و ابوبکر شیرازی و ابوسعید محمد بن عثمان بن محمد بن حسان فواس بستی و دیگران، استماع حدیث کرد و سمعی در نیشابور از او حدیث نوشت (همان، ۱۷۲).

۶۸. سعیده (ام عمرو) دختر بکران بن محمد بن احمد جاری اصفهانی، از زنان محدث اصفهان در قرن ششم بود. از ابو مطیع بصری استماع حدیث کرد و ابو مطیع نیز به او اجازه روایت در همه مسموعاتش را داد (سمعی ۱۳۹۵: ج ۲، ۱۰؛ ریاحی ۱۳۷۵: ۴۰).

۶۹. ضوء (ام الکرام) دختر حمد بن محمد بن ابی الفتح اصفهانی، که در قرن ششم هجری می زیست. محدثی که از سلیمان بن ابراهیم حافظ و ابوبکر بن ماجه ابهری حدیث شنید و سمعی از او احادیثی شنید (کحاله ۱۴۰۴: ج ۲، ۳۶۰؛ ریاحی ۱۳۷۵: ۱۷).

۷۰. ضوء النهار دختر محمد بن طاهر مقدسی همدانی، محدثی که از عبدوس بن عبدالله و ابوبکر اسماعیل بن علی بن احمد خطیب و دیگران در همدان استماع حدیث کرد و سمعی صفحاتی از احادیث نوشته شده را از او در همان شنید (کحاله ۱۴۰۴: ج ۲، ۳۶۱).

۷۱. کریمه دختر احمد بن علی غازی ایبوردی مشهور به ام الحسن ایبوردی از زنان آگاه، فقیه، محدث و پارسای قرن ششم هجری بود که در مرو می زیست و در همان جا به آموزش زنان مشغول بود تا درگذشت و در همان شهر به خاک سپرده شد. (همان، ۱۴۱۶).

۷۲. سارة دختر عبدالرحيم بن عبدالکريم قشيري نيشابوري، محدثي ديندار و باصلاحيت بود و از موسی بن عمران و ابوالقاسم واحدي حديث شنيد و از ابومظفر موسی بن ابوالحارث غزالي صوفي روايت کرد. سمعاني و ابوالخطاب عليمي از او حديث شنيدند (همان، ۱۳۸).

۷۳. ست آزرمية دختر احمد بن محمد بن حداد اصفهاني، محدثي که از ابراهيم بن محمد بن ابراهيم طباطبائي استماع حديث کرد و سمعاني از وی حديث نوشته است (همان، ج ۲، ۱۵۰). از اين که از سمعاني استماع حديث کرده می توان گفت که در قرن ششم می زيسته است.

۷۴. کريمه (ام الحسن) دختر احمد بن حسن اصفهاني، محدثي که از محمد بن ابراهيم جرجاني و ابوبکر بن مردويه (د. ۴۱۰ هـ) بوده است روايت کرده و ابوبکر محمد بن ابی نصر فتواني نیز از وی نقل حديث کرده است (همان، ج ۴، ۲۴۰).

۷۵. ست الجليل (ام الضياء) دختر أبو محمد بن حسن اصفهاني، محدثي متدين و باصلاح که در مجلس ابوبکر ابن ماجه حضور يافت و سمعاني بر او حديث قرائت کرد و از او حديث شنيد. اين بانو در قرن ششم درگذشت (همان، ۱۵۳).

۷۶. ست العراق دختر عبدالواحد عنبري اصفهاني، محدثي که حديث را از پدر بزرگش ابوالفضل مطهر بن عبدالواحد فرا گرفت و سمعاني جزيي از حديث ابوحفص را از او شنيد. اين بانو حدود قرن ششم از دنيا رفت (همان، ج ۱، ۱۵۸).

۷۷. ست ناز دختر مفضل بن ابوالفوارس اصفهاني، محدثي که نزد شجاع بن علی مصقلی حديث شنيد و سمعاني در قرن ششم از او حديث شنيد. وی حدود اوایل قرن ششم هجري درگذشت (همان، ج ۲، ۱۷۰).

۷۸. فاطمه دختر علی بن مظفر بن حسن بن زَعْبَل نيشابوري، محدثي متدين، عالم، صالح که در نيشابور در سال ۴۳۵ هجري متولد شد. از عبدالغافر بن محمد بن ابی الحسين فارسي، صحيح مسلم و کتاب غريب الحديث از ابوسليمان خطابي را شنيد و ابوسعید سمعاني کتاب اربعين از حسن بن سفیان نسائي، به روايت فاطمه از عبدالغافر از حمدان از او را شنيد و جزيي از أمالي حاکم ابواحمد الحافظ را با روايت فاطمه از عبدالغافر بن محمد

شنید نیز جزء چهارم و پنجم از حیث جوالیقی را با روایت فاطمه از عبدالغافر از اسماعیل بن عبدالله بن میکال از او شنید. زینب دختر عبدالرحمن شعری بر او حدیث گفت. ابوالحسن مؤید بن محمد بن علی طوسی، محدث، از او استماع حدیث کرده است و کتاب از بعین از حسن بن سفیان را به روایت فاطمه از محمد بن فضل صاعدی بر خودش شنوانده، علی بن حسن بن هبة الله بن عبدالله بن الحسین شافعی از او حدیث نقل کرده است. این بانو عالم به قرآن بود و دختران جوان را تعلیم می داد و در محرم سال ۵۳۲ یا ۵۳۳ در نیشابور درگذشت (همان، ج ۴، ۸۵).

۷۹. ست الناس دختر علی بن عباد طباطبائی علوی اصفهانی، محدثی که در قرن ششم هجری در اصفهان می زیست و حدیث را نزد ابراهیم بن طیان شنید و سمعی در سال ۵۳۱ از او حدیث شنید (سمعی ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۱۴؛ کحاله ۱۴۰۴: ج ۲، ۱۷۱؛ ریاحی ۱۳۷۵، ۲۰۰).

۸۰. تقیه دختر ابوسعید بن جعفر اصفهانی، از زنان محدث قرن ششم اصفهان بود که ابن مقدسی احادیثی از او نقل کرده است (کحاله ۱۴۰۴: ج ۱، ۱۷۴؛ ریاحی ۱۳۷۵: ۱۳۹).

۸۱. فاطمه دختر ابوالخیر نیشابوری، محدثی متدین و باصلاحیت و عالم و فاضل بود که قبل از سال ۴۶۰ هجری زاده شد و از قاضی ابو محمد عبدالله بن محمد بن علی تیمی استماع حدیث کرد و در رمضان سال ۵۳۸ در اصفهان زندگی را به درود گفت (کحاله ۱۴۰۴: ج ۴، ۵۶).

۸۲. امه الله (ام النجم) دختر هبة الله بن محمد جزوی اصفهانی بود که از ابو معمر شیبان بن عبدالله بن احمد محتسب بُرجی و سمعی در اصفهان از وی استماع حدیث کرد. ام النجم در محرم سال ۵۴۸ هـ در شهر اصفهان فوت کرد (سمعی ۱۳۹۵: ج ۲، ۳۹۷).

۸۳. عایشه دختر احمد بن منصور بن محمد نیشابوری، محدثی متدین و باصلاحیت و عفت و صیانت که در سال ۴۷۱ زاده شد و از بزرگانی چون موسی بن عمران و ابابکر شیرازی و اباسنابل هبة الله قرشی و ابوالقاسم عبدالرحمن احمد واحدی و دیگران

حدیث شنید و سمعانی در نیشابور حدیث از او نوشت. وی در سال ۵۴۹ درگذشت (کحاله ۱۴۰۴: ج ۳، ص ۷).

۸۴. کریمه (ام الکرام) دختر ابوسعید عبدالرحمن بن عمر بن عبدالله بن محمد اصفهانی بود که در قرن ششم هجری زندگی می‌کرد. ابوالوفاء عبدالرحمن بن محمد (حمید) بن عبدالواحد بن محمود صباغ شرابی اصفهانی (۴۴۶-۵۳۳) از وی حدیث شنیده است (سمعانی ۱۳۹۵: ج ۱، ۴۹۴).

۸۵. فاطمه (ام الفتوح) دختر محمد بن عبدالله بن حسن قیسی، در سال ۴۵۰ به دنیا آمد. زنی نیکوکار و شایسته بود؛ از ام ابراهیم عایشه و رکافی حدیث استماع کرد و سمعانی نیز از او حدیث شنید؛ این بانو در رمضان سال ۵۴۵ وفات یافت (کحاله ۱۴۰۴: ج ۴، ۱۰۷).

۸۶. ظمباء (ام الفتوح) دختر احمد بن فضل تاجر اصفهانی که در نیمه اول قرن ششم می‌زیست، در سال ۵۳۲ به سمعانی کتباً اجازه حدیث داد (سمعانی ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۲۱).

۸۷. آمنه (ام محمد) دختر عباد بن علی بن حمزه طباطبائی علوی اصفهانی از زنان دانشمند اصفهان بود که در نیمه اول قرن ششم هجری در این شهر زندگی می‌کرد. از ابو محمد رزق الله قمی حدیث آموخت و عبدالکریم سمعانی احادیث کمی از وی استماع کرد. آمنه در سال ۵۶۲ هجری زندگی را به درود گفت (سمعانی ۱۳۹۵: ج ۲، ۳۹۶؛ ریاحی ۱۳۷۵: ۳۱).

۸۸. ستکا دختر محمد بن فضل دیلمی اصفهانی، محدثی که حدیث را از عمر بن احمد بن عمر سجستانی شنید و سمعانی احادیثی از او در قرن ششم فراگرفت (کحاله ۱۴۰۴: ج ۲، ۱۷۵).

۸۹. سَتِیْتَه دختر اسماعیل بن محمد بن فضل اصفهانی، محدثی که از ظفر بن داعی بن مهد عمری علوی، با داشتن اجازه از وی روایت کرده است (همان، ج ۲، ۱۷۵).

۹۰. فاطمه سمرقندی که در قرن ششم زندگی می‌کرد، دختر محمد بن احمد از مردان بزرگ سمرقند و همسر یکی از فقهای معروف کاشان، از زنان دین پرور، فقیه و عالم و محدث زمان خود بود و در حل مسائل فقهی و دینی از یاران همسرش به شمار می‌رفت و

به نام فاطمه فقیهه نامیده می‌شد. فاطمه به زندگی طلاب توجه زیادی داشت و تا جایی که می‌توانست، آنان را در امور زندگی یاری می‌کرد. از وی احادیث و روایات بسیاری به صورت تألیف برجای مانده است، وی قبل از همرش (د. ۵۷۸ هـ) درگذشت (فرخزاد ۱۳۷۸: ۱۲۳۷ و ۱۲۲۷؛ کحاله ۱۴۰۴، ج ۴، ۹۴).

۹۱. فاطمه (ام عبدالکریم) دختر حافظ سعدالحیر بن محمد بن حمد سهل انصاری مؤذنی، در اصفهان به دنیا آمد، سپس با پدرش به شهر بغداد و سپس به دمشق رفت، در آنجا به فراگیری علم فقه و استماع حدیث پرداخت. پس از ازدواج با ابراهیم بن نجاء که یکی از دین مردان زمان خویش بود، راهی مصر شد و در آنجا مکتبی برای زنان دایر و تدریس کرد. وی به سال ۶۰۰ هجری قمری درگذشت.

۹۲. عقیفه (ام هانی) دختر احمد بن عبدالقادر فارفانی اصفهانی، در سال ۵۱۶ متولد شد. وی از زنان دانشمند زمان خویش بود و خاصه در فقه و حدیث اشتهار داشت. محدثی بود که احادیث معجم صغیر و معجم کبیر طبرانی را از فاطمه جوزدانی شنید. از آخرین فردی است که از عبدالواحد مصاحب ابونعیم روایت کرده است. ابوعلی حداد و عده‌ای به او اجازه روایت دادند. جزء سوم از کتاب فوائذ نوشته ابوعلی محمد صواف از ابوطاهر الدنشج سماع و روایت کرد. حافظ ضیاء الدین مقدسی از او استماع حدیث کرده است. علی بن احمد بن عبدالواحد مقدسی با داشتن اجازه از این بانو روایت کرده است. محمد بن عبدالغنی احنبلی معروف به ابن نقطه از او در اصفهان خبر داده. عقیفه در سن ۹۶ سالگی در ربیع الآخر سال ۶۰۶ هجری درگذشت (کحاله ۱۴۰۴؛ ج ۳، ۳۰۰).

۹۳. زینب دختر عبیدالله بن حسن اصفهانی، بانویی دیندار و باصلاحیت و عفت که محدث بود و در نیشابور زاده شد. پدرش او را به اصفهان برد و در آنجا از ابومطیع محمد بن عبدالواحد مصری و جدش ابوعلی حداد (۵۰۶-۵۶۲ ق) حدیث شنید و در نیشابور از ابوعلی نصرالله احمد خشنانی حدیث شنید (همان، ج ۲، ۷۸).

۹۴. عین الشمس (ام الفتوح بزانیه) دختر احمد بن ابوالفرج اصفهانی (یا به قولی دختر مفضل بن مطهر) — از خاندانی محترم، بزرگوار — محدثی، فقیه در دین که از جدش مطهر بن عبدالواحد و اسماعیل بن اخشید استماع حدیث کرد و از ابوبکر محمد بن علی بن ابوذ

صالحانی نیز حدیث فراگرفت. ابن عساکر از این بانو اجازه روایت حدیث گرفت. سمعانی نیز از او در اصفهان حدیث استماع کرد و علی بن احمد بن عبدالواحد مقدسی با اجازه از وی روایت حدیث کرد. ام‌الفتوح در سال ۶۱۰ هـ درگذشت (سمعانی ۱۳۹۵: ج ۲، ۴۲۴).

۹۵. أمة الله دختر محمد بن أحمد بیادانی، عارفی از عارفان به خداوند، ابوالمظفر سمعانی (د. ۶۱۵ هـ. ق) در مرو از او نقل کرده و بر او حدیث را قرائت کرده است. أمة از ابوسهل نجیب بن میمون واسطی نقل کرده است (همان، ج ۱، ۸۱).

۹۶. فیروزه از زنان عالم و باسواد و محدث قرن هفتم هجری قمری در شیراز، دختر مظفر شیرازی، بانویی عارف و روشندل و دارای کرامات بود و در آداب عرفان و سلوک چندین کتاب نوشت که از میان آن‌ها کتاب الاربعین، روایت الصالحات عن الصالحین را می‌توان نام برد (فرخزاد ۱۳۷۸: ۱۳۰۱).

۹۷. زینب دختر عبدالرحمن بن حسن جرجانی، بانویی عالم، فاضل و محدثی جلیل القدر بود که در نیشابور به سال ۵۲۴ هجری متولد شد. محضر جمع زیادی از علمای بزرگ را درک کرد و از آنان روایت و اجازه نقل گرفت. از تعدادی از بزرگان حدیث، همچون ابو محمد اسماعیل بن ابوالقاسم بن ابی بکر نیشابوری، قساری و عبدالمنعم بن عبدالکریم بن هوازن قشیری و... حدیث شنید و جمعی مانند حافظ ابوالحسن عبدالغافر فارسی و علامه محمود زمخشری و... به او اجازه روایت دادند و از ابونصر محمد بن منصور خرقی و دیگران از حافظان و علما حدیث نقل کرد. وی همه جزء سوم کتاب الزهد و کعب بن جراح و کتاب اربعین به روایت فاطمه بغدادی و... را سماع کرد و در جمادی الآخر سال ۶۱۵ در نیشابور درگذشت (کحاله ۱۴۰۴: ج ۲، ۷۵).

۹۸. فخر النساء دختر أسعد بن ابی احمد اصفهانی، محدثی که از ابوسعید رجاء بن عبدالواحد استماع حدیث کرد (همان، ج ۴، ۱۵۷).

۹۹. تقیه دختر ابوسید بن اموسان از زنان محدث و دانشمند نیمه اول قرن هفتم هجری بود که از ابوالقاسم بن خالد تاجر و ابوعبدالله حسین بن عبدالملک خلال استماع

حدیث و احادیثی روایت کرد. ابن نقطه بغدادی (د. ۶۲۹ هـ) در شهر اصفهان از تقیه حدیث فراگرفت (همان، ج ۱، ۱۷۳).

۱۰۰. غالیه (ام الوفاء) دختر محمد اصفهانی، محدثی که از هبة الله بن جنّة روایت کرده است (همان، ج ۴، ۱). زینب دختر عبدالرحمن شعری بر او حدیث گفت.

زنان قرن هشتم تا دهم

۱۰۱. زُمرّد دختر اُیرقدَرکه، محدثی که نامش را شوهرش (ابو حیان الکثیر علی الأبرقوهی) و دیگران یاد و حدیث نقل کرده‌اند. وی در ربیع الآخر ۷۳۶ هجری رحلت کرد (همان، ج ۲، ۳۷).

۱۰۲. زینب دختر محمود بن أسعد شیرازی، محدثی که حدود سال ۷۰۶، یازده حدیث از اول جزء سوم احادیث علی بن حجر را که از ابن عبدالدائم شنیده به گوش محمد الوانی رسانده است (همان، ۱۱۴).

۱۰۳. فاطمه دختر محمد بن محمد طبری، محدثی که محمد الوانی — کتاب الدعاز حسین بن اسماعیل محاملی را که فاطمه با اجازه عبدالوهاب بن فهد بر محمد الوانی حدیث کرده بود — در سال ۷۱۵ هـ بر او قرائت کرد (همان، ج ۴، ۱۳۸).

۱۰۴. حسنة دختر محمد بن کامل بن یعقوب، جده مادری خدیجه طبری (مذکور در این مجموعه) که بر نواده‌اش خدیجه حدیث گفته است (همان، ج ۱، ۳۲۴).

۱۰۵. عایشه بنت عبدالله بن ابی جعفر احمد بن عبد... بن محمد بن ابی بکر، ام‌الهدی بنت خطیب نقی الدین طبری، از جدش امام محب الدین طبری و عمویش جمال الدین اجازه نقل گرفت و به او اجازه داد. ابو حامد بن ظهیر با اجازه از او تحدیث کرده است؛ عایشه پس از سال ۷۶۰ (یا ۷۷۶) درگذشت (همان، ج ۳، ۱۵۵).

۱۰۶. اسماء دختر ابوبکر بن حسین مراغی، بانوی محدثی که در سال ۷۶۷ از عز بن جماعة جزء بزرگی را که او برای خود تخریج کرده، شنیده است. ابن هبل و ابن أمیلة و صلاح بن ابی عمر و کمال بن حبیب و دیگران به او اجازه روایت دادند و بزرگان و

فاضلانی از او حدیث شنیده‌اند و تقی بن فهد از او اخذ حدیث کرده است (همان، ج ۱، ۴۶).

۱۰۷. فاطمه ساعاتی، در یکی از خانواده‌های دین پرور خراسان زاده شد و پدرش که محمد بن علی بن رستم نام داشت، از عالمان علم مکانیک و با دانش فقه و دیگر اصول و مبادی اسلامی به خوبی آشنا بود. فاطمه که خطی خوش داشت و در مکتب پدر با فقه اسلامی آشنا شد و علم او به حدی رسید که در مکتب خانۀ زنان تدریس می‌کرد، از وی کتابی به نام مجمع البحرین باقی مانده است که با خط خوش خود آن را نگاشته است؛ وی در قرن هشتم هجری فوت کرد (فرخزاد: ۱۳۷۸: ۱۲۲۸).

۱۰۸. فاطمه طبری که در قرن هشتم می‌زیسته است یکی از عالمان حدیث طبرستان، دختر فقیه معروف احمد بن رضی طبری بود، او در مکتب پدر و پدر بزرگش پرورش یافت و از آنان حدیث شنید و توانست احادیث و روایات بسیاری از خود به یادگار بگذارد. (کحاله ۱۴۰۴: ج ۴، ۲۷؛ فرخزاد: ۱۳۷۸: ۱۲۲۹).

۱۰۹. خدیجه دختر احمد بن محمد بن جمال طبری، بانویی محدث، معروف و نیکوکار که به گمان در سال ۷۴۰ ه‍.ق زاده شد و حدیث را از جده مادری‌اش، حسنة دختر محمد بن کامل بن یعقوب شنید و عده‌ای از اهل حدیث به او اجازه روایت دادند؛ وی در رمضان ۸۱۴ هجری در مکه وفات یافت (کحاله ۱۴۰۴: ج ۱، ۳۲۴).

۱۱۰. زینب دختر عبدالله بن احمد طبری، محدثی که حدیث را از کمال بن حبیب شنید و ابن الهبل و الصلاح بن ابی عمر و ابن أمیله و دیگران به او اجازه روایت دادند، وی، خود به ابن فهد و دیگران اجازه داد و در محرم سال ۸۳۸ از دنیا رفت (همان، ج ۲، ۷۳). از قرن یازدهم تا چهاردهم در نام بانوان ایرانی که در حدیث و انتقال آن نقشی داشتند فراوانی بیشتری را می‌بینیم.

زنان قرن یازدهم تا چهاردهم

۱۱۱. دختر شیخ علی منشار، همسر شیخ بهایی، بانویی فاضل، عالم، فقیه و محدث بود و فقه و حدیث و علوم را به زنان تدریس می‌کرد. او تنها دختر پدرش بود و از محضر

پدر خاصه در فراگیری علوم اسلامی استفاده‌های فراوان برد. صاحب ریاض العلماء نوشته است که دختر شیخ علی منشار را دیده در دورانی که هنوز سنی از او نگذشته بود، فقه و حدیث درس می‌گفته و زنان نیز نزد او تحصیل علم می‌کردند. وی حدود چهار هزار کتاب از پدرش ارث برد (افندی اصفهانی ۱۳۶۶: ج ۵، ۴۰۷). پدرش از شاگردان نامور محقق کرکی بود که از سوی شاه طهماسب (۹۳۰-۹۸۶) عهده‌دار شیخ الاسلامی اصفهان شد و پس از شیخ علی نیز همسر این بانو یعنی بهاء‌الدین عاملی عهده‌دار این منصب شد (ریاحی ۱۳۷۵: ۱۲۵).

۱۱۲. حمیده رویدشتی اصفهانی دختر مولانا شریف بن شمس الدین محمد رویدشتی اصفهانی است. که در سال ۱۰۸۷ ق. وفات یافت (افندی اصفهانی ۱۳۶۶: ج ۵، ۴۰۴). وی بانویی عالم، فاضل و معلم زن‌های زمان خود بود. بر کتاب استبصار شیخ طوسی حاشیه نوشته است. میرزا افندی می‌گوید: پدرم بسیاری از حواشی او را بر کتب حدیث نقل می‌کرد. وی نزد پدرش علم آموخت و پدرش او را می‌ستود و می‌گفت: حمیده در علم رجال بسیار داناست (همان‌جا). یکی از بزرگان درباره‌اش گفته است: خدا او را رحمت کند که بانویی فاضل، عالم، عارف و معلم زنان عصر خویش بود. علم رجال را خوب می‌دانست، پاک‌گفتار و از بازماندگان فاضلان نامدار و پرهیزگار در بین مردم بود (همان‌جا). شیخ آقا بزرگ تهرانی گوید: حمیده کتاب رجالی به نام (رجال حمیده) داشته و حاشیه‌ای بر کتاب الاستبصار شیخ طوسی نوشته است. (آقا بزرگ تهرانی ۱۴۰۳: ج ۲، ۱۵؛ ج ۶، ص ۱۸؛ ج ۱۰، ۱۱۴).

۱۱۳. زینب شیرازی، دختر فیلسوف معروف صدرالدین شیرازی بود که زنی عالم، فاضل، متکلم، جلیل‌القدر، فیلسوف، عارف، عابد، زاهد و از بانوان فصاحت و بلاغت بود که ظهر هنگام روز یکشنبه ۲۰ جمادی الاول سال ۱۰۹۷ رحلت کرد. وی علم را نزد برادرش میرزا ابراهیم فرا گرفت و بر پدرش عرضه و قرائت کرد. همسر او ملا محسن فیض کاشانی عالم مشهور بود که ثمره ازدواجشان سه پسر به نام‌های محمد علم الهدی، محمد نور الهدی و احمد معین الدین که همگی از علما بودند (همان، ج ۳، ۸۴).

۱۱۴. زبیده شیرازی، دختر فیلسوف معروف صدرالمؤمنین شیرازی در سال ۱۰۲۴

ه. ق زاده شد. وی بانویی عالم، فاضل، ادیب، محدث، حافظ قرآن و عالم به تفسیر آن بوده است که نزد پدرش ملاصدرا و خواهرش ام کلثوم، که در بیشتر علوم تبخر داشت و در فصاحت و بلاغت همصحبت علما بود، درس خواند و در ادبیات و تفسیر متبحر شد. با محمد فسوی (عالم و معین دین) ازدواج کرد و محمد تقی مجلسی ثمره این ازدواج بود. زبیده صاحب کتاب شرح شاقیه است و فرزندش ادبیات را نزد وی فراگرفت. شرح حال این بانوی عالم را سید شهاب الدین مرعشی نجفی در مقدمه کتاب معادن الحکمة ذکر کرده است (امین ۱۴۱۰: ۳، ۸۳).

۱۱۵. معصومه قوامی شیرازی کوچک‌ترین دختر ملاصدرا بود که در سال ۱۰۳۳ به دنیا آمد. هنگامی که به حد بلوغ رسید با میرزا قوام الدین تبریزی (از شاگردان ملاصدرا و صاحب التعلیقات الهامه علی الاسفار) ازدواج کرد. بانو معصومه در شیراز به سال ۱۰۹۳ ق وفات یافت و در همان شهر به خاک سپرده شد. معصومه خاتون از بانوان با فصاحت و بلاغتِ زمان خویش، محدث، عالم، مؤمن، مصلح، عابد، زاهد و حافظ قرآن بود. از پدرش علم فراگرفت و ادبیات را از خواهرش زبیده — که شرح حالش ذکر شد — آموخت (امین ۱۴۱۰: ۳، ۲۵۹). آیت‌الله مرعشی نجفی در مقدمه کتاب معادن الحکمة، شرح حال معصومه را ذکر کرده است (همان جا).

۱۱۶. دختر عزیزالله مجلسی از زنان فقیه، محدث، عالم، فاضل و آگاه به کلام و از بانوان با فصاحت و بلاغت بود که در سال ۱۱۱۰ درگذشت. نامش مشخص نیست اما در خاندان علم و فضیلت چشم‌گشود و رشد کرد. فقه و حدیث را یاد گرفت و بر پدر و عمویش عرضه کرد. وی دارای تألیفات و تحقیقاتی از جمله مسائل فقهی، تعلیق بر کتاب من لایحضره الفقیه و تعلیق بر مجموعه رسائل بوده است که شیخ عبدالحسین صالحی آن را گزارش کرده است (همان، ج ۵، ۹۵).

۱۱۷. آمنه مجلسی، دختر مولی محمد تقی مجلسی و خواهر علامه مجلسی بود که تولد و وفاتش معلوم نیست. زنی عالم، فاضل، فقیه، محدث، محقق، ادیب و شاعر از زنان فصیح و بلیغ و بسیار پرهیزگار و باتقوا بود. آنچه از علوم فقه و حدیث و تفسیر فراگرفته بود بر پدرش عرضه کرد. هنگامی که به سن رشد رسید با ملا محمد صالح مازندرانی (د. ۱۰۸۶

یا ۱۰۸۰) ازدواج کرد و شش فرزند که همگی از علما و شعرا شدند. به دنیا آورد. به تدریس و ارشاد و آموزش زنان و فایده رساندن مشغول بود و از بزرگ زنان نابغه زمان خویش به شمار می‌رفت. در حل برخی مسائل و تفسیر آن‌ها شوهرش از او کمک می‌گرفت، از جمله تفسیر برخی عبارات کتاب قواعد الاحکام تألیف علامه حلی. از تألیفات این بانوی عالم شرح بر الفیه ابن مالک، شرح بر شواهد سیوطی، مجموعه المسائل الفقیه و دیوان شعر را نامبرده‌اند (همان، ج ۴، ص ۸؛ الحسون ۱۴۱۱، ج ۵، ۹۵).

۱۱۸. فاطمه (ام سلمه) کاشانی، دختر شیخ محمد علم الهدی (د. ۱۱۱۲ هـ) و نوه ملاحسن فیض کاشانی (د. ۱۰۹۱ هـ)، از زنان عالم، فاضل، محدث، ادیب و شاعر زمان خود بود. این بانو مقدمات را از خواهرانش و فقه و اصول را از عموهای خود فرا گرفت و به تکمیل علوم نزد پدرش پرداخت. فاطمه از پدر و دو عمویش اجازه روایت داشت و از آنان روایت می‌کرد. وی در شهر کاشان درگذشت و در مقبره خانوادگی، کنار قبر پدرش به خاک سپرده شد (ریاحی ۱۳۷۵: ۶۳).

۱۱۹. فاطمه بنت علم الهدی، دختر شیخ محمد علم الهدی بن ملاحسن فیض کاشانی که کنیه اش ام سلمه بود. وی در ذی قعدة سال ۱۰۸۸ متولد شد و با مولی زین الدین علی از بستگانش در ذی حجه سال ۱۱۱۲ ازدواج کرد و در بیست جمادی الثانی سال ۱۱۱۴ وفات یافت و پایین پای پدر در مقبره جدش ملاحسن فیض (مقبره خانوادگی) در کاشان به خاک سپرده شد. فاطمه بانویی عالم، فاضل، محدث، ادیب، شاعر و زنی مؤمن و باتقوا بود. مقدمات را نزد خواهرانش فرا گرفت و فقه و اصول را نزد عموهایش (ابوحامد محمد معروف به نورالهدی و معین الدین احمد) آموخت و بر پدرش عرضه کرد. فاطمه از پدر و عموهایش روایت نقل می‌کرد (امین ۱۴۱۰: ج ۳، ۱۵۹).

۱۲۰. زکیه دختر شیخ محمد صالح بن احمد مازندرانی، بانویی عالم، فاضل، فقیه و نویسنده بود. تاریخ ولادت و وفات او دقیق معلوم نیست، جز این که می‌دانیم که در اصفهان زاده شد و تا سال ۱۱۲۶ در قید حیات بود. مقدمات و علوم عربی و ادبیات را از مادر عالم و فاضلش — آمنه بیگم دختر شیخ محمد تقی، مجلسی اول — فرا گرفت و فقه و اصول را نزد پدرش شیخ محمد صالح مازندرانی (د. ۱۰۸۰) صاحب شرح کافی، آموخت.

هنگامی که به سن بلوغ رسید با سید محمد باقر بن سید محمد صادق موسوی یزدی اصفهانی (د. ۱۱۱۱) ازدواج کرد. ثمره این ازدواج، پسرش سید ابوالقاسم بود. این بانوی فاضل، شرح کافی را برای پدرش نوشت، از جمله مجلد العقل و العلم که در کتابخانه مدرسه فیضیه قم با رقم ۶۱۴ معین شده است. نیز گفته شده که او حواشی و تعلیقات بر کتب فقهی نوشته است (همان، ج ۵، ۲۱۸).

۱۲۱. آمنه بیگم بهبهانی حائری، دختر آغا محمد باقر بن محمد اکمل در کربلا حدود سال ۱۱۶۰ متولد شد و در سال ۱۲۴۳ در کربلا از دنیا رفت؛ از فقیه ترین زنان دوران خویش بود. وی متکلم، واعظ، اصولی، محقق، محدثی جلیل القدر بود که احادیث با سندهای قوی نقل می‌کرد. زاهد و بسیار پرهیزکار بود و مقدمات و ادبیات و علوم عربی را فراگرفت. هنگامی که به سن رشد رسید با پسر عمویش سید علی طباطبائی حائری (د. ۱۲۳۱) ازدواج کرد که ثمره آن دو پسرش سید محمد مجاهد و سید مهدی طباطبائی (د. ۱۲۵۰) بود. عبدالحسین صالحی گوید که این بانو دارای مؤلفانی در فقه و اصول بود (همان، ج ۵، ۶۲).

۱۲۲. فاطمه قزوینی دختر سید حسین بن سید امیر محمد ابراهیم قزوینی (متوفای ۱۲۰۸ ه. ق) است که حدود سال ۱۱۷۲ در قزوین به دنیا آمد. هنگامی که به حد بلوغ رسید با شیخ محمد علی بن شیخ عبدالکریم قزوینی ازدواج کرد. سه فرزند ثمره این ازدواج اند که همه عالم‌اند، نام‌های آنان عبارت است از: شیخ میرزا عبدالوهاب قزوینی و شیخ عبدالکریم معروف به حاج شیخ علی مردان و دختری عالم، فاضل، ادیب و شاعر به نام آمنه (که ذکرش گذشت) مادر قره‌العین بود. فاطمه حدود سال ۱۲۶۰ فوت کرد و در مقبره خانوادگی‌اش مدفون شد. فاطمه بانویی عالم، فاضل، محدث، حافظ قرآن، عالم به تفسیر و تأویل قرآن بود. نزد پدر (سید حسین = د. ۱۲۰۸) و عمویش علامه مولی سید حسن (د. ۱۱۹۸) و سید مهدی بحر العلوم تحصیل کرد و در درس فقه و اصول و حدیث همسرش شرکت کرد تا در بیشتر علوم اسلامی — چه معقول و چه منقول — به حد کمال و نبوغ رسید و از بانوان فاضل و بزرگ زمان خویش شد. وی متکلم، دارای بیان و

صوتی رسا بود و خطیب و واعظی توانا شد و برای بانوان درس می‌گفت (همان، ج ۳، ۱۵۶).

۱۲۳. فَضَّة بلاغی دختر شیخ احمد بلاغی و همسر شیخ حسن بلاغی و مادر شیخ محمد جواد بلاغی فقیه، حکیم و از ارکان امامیه است. فضه در سال ۱۲۸۰ درگذشت. وی بانویی عالم، فاضل و ادیب بود و قرآن و زبان عربی را نزد پدرش آموخت و فقه و اصول را از علمای خاندانش فرا گرفت و به او اجازه روایت دادند. به تدریس اصول و فقه و حدیث اشتغال داشت و بعضی از طلاب در درس‌هایش حاضر می‌شدند و برخی از علما کتاب‌های الفوائین را به اعتبار این که مؤلفش به وی اجازه داده بود بر او قرأت می‌کردند (همان، ج ۳، ۱۶۴).

۱۲۴. اُمّ کُلثوم روغنی قزوینی، دختر شیخ کریم روغنی قزوینی (۱۲۴۳-۱۳۲۰ ق) در کربلا متولد شد. هنگامی که به حد بلوغ رسید با شیخ ابراهیم بن اسحق زنجانی ازدواج کرد و چهار فرزند به دنیا آورد که همگی اهل علم و فضل شدند. وی بانویی عالم، فاضل، فقیه، محدث، با تقوا و صالح بود و در مدرسه صالحیه قزوین به همراه سایر علما، اخذ علم می‌کرد و در کلاس فقه و اصول شیخ محمد صالح برغانی حضور می‌یافت. (همان، ج ۳، ۴۳) از تألیفات این عالمه، تفسیر سورة فاتحة الكتاب است. (همان، ج ۲، ۲۸).

۱۲۵. رُبابه برغانی قزوینی، دختر شیخ محمد صالح بن... شیخ ملا محمد کاظم برغانی قزوینی و از خاندان صالحی است. هنگامی که به حد بلوغ رسید، با میرزا هبة الله رفیعی قزوینی ازدواج کرد. وی خواهر بانوان خدیجه برغانی و نرگس برغانی — مذکور در این مجموعه — است. ربابه برغانی حدود سال ۱۲۹۷ فوت کرد. ربابه بانویی عالم، فاضل، محدث، واعظ، خطیب، متکلم، فصیح و از بانوان باهوش و ذکاوت و فاضل زمان خویش بود. مقدمات و عربی و ادبیات را نزد بزرگان خاندانش و خواهرش قُرّة العین (دختر حاجی ملا صالح قزوینی) آموخت و فقه و اصول و تفسیر و حدیث را از پدرش، مفسر مشهور شیخ محمد صالح برغانی حائری و عمویش شهید ثالث اخذ کرد و در حکمت و فلسفه شاگرد آخوند شیخ ملا آغا حکمی قزوینی بود و عرفان را نزد عمویش شیخ ملا علی برغانی و برادرش شیخ میرزا عبدالوهاب برغانی قزوینی تلمذ کرد. ربابه در

مصدر تدریس و وعظ و ارشاد بود و احکام شرعی را استنباط می‌کرد و با علما به بحث و مجادله می‌پرداخت و در مسائل فقهی و علمی فتوا می‌داد و به رأی و نظرش اهمیت می‌دادند. او حوائج فقرا و درماندگان را برآورده می‌کرد و با این‌که در خطبه‌ها و مجالسش از ناصرالدین شاه قاجار و ظلم حاکمان ایرانی بسیار بد می‌گفت، شاه قاجار متعرض وی نشد (همان، ۴، ۱۰۴).

۱۲۶. مرضیه بیگم صالحی، دختر شیخ محمد صالح برغانی قزوینی بود که حدود سال ۱۲۳۳ ق در قزوین متولد شد و حدود سال ۱۳۱۳ از دنیا رفت. وی از زنان آگاه به علم کلام، مفسر، فقیه، محدث، ادیب، شاعر و حافظ قرآن کریم بود. مقدمات و فنون ادب و عربی و صرف و نحو را نزد مادر فاضلش آمنه خانم و خواهرش (قره العین) فرا گرفت. نزد پدر و عموی شهیدش فقه آموخت. عرفان ربانی را از عمویش شیخ ملاعلی برغانی و فلسفه را از شیخ ملاآغا حکمی قزوینی آموخت. هنگامی که به سن رشد رسید با شیخ میرزا محمد علی شریف قزوینی، که از بزرگ‌ترین علمای شیعه در عصر خویش شد، ازدواج کرد. نظریات شیخ احمد احسائی (مؤسس فرقه شیخیه، د. ۱۲۴۱) را از طریق عمویش شیخ ملاعلی برغانی و دانی‌اش شیخ میرزا عبدالوهاب شریف قزوینی فرا گرفت و متمایل به فرقه شیخیه شد و ملازم خواهرش قره‌العین در همه سفرها گردید و از عالمترین زنان دوران خود شد. به شهرهای کربلا، کاظمین و بغداد آمد و رفت کرد. مرضیه بیگم از دشمنان ناصرالدین شاه قاجار بود و ظلم‌های او را افشا می‌کرد. بر برخی کتب فقهی و فلسفی حواشی نوشت. از آثار وی مجموعه رسائل، رساله فی العرفان و مجموعه مکاتیب را می‌توان نام برد (همان، ج ۶، ۳۱۹).

۱۲۷. خدیجه برغانی قزوینی، دختر شیخ محمد صالح بن... شیخ ملامحمد کاظم برغانی قزوینی از خاندان صالحی است. هنگامی که به سن رشد با میرزا مفید بن سید میرزا حسن قزوینی ازدواج کرد و پنج فرزند پسر به دنیا آورد که مشهورترین آن‌ها سید میرزا مسعود قزوینی معروف به شیخ‌الاسلام است. خدیجه برغانی حدود سال ۱۳۲۱ درگذشت. وی بانویی فقیه، محدث، بصیر به علم کلام، حافظ قرآن و عالم به تفسیر آن، زاهد و عابد بود که مقدمات و عربی و ادبیات را از خواهرش قره‌العین و سایر رجال

خانواده فراگرفت و فقه و اصول و تفسیر و حدیث را در محضر پدر و عمویش شهید ثالث آموخت و عرفان را نزد عمویش ملاعلی برغانی و فلسفه را نزد آخوند ملاآقا حکمی فراگرفت.

خدیجه در مدرسه صالحیه در واحد بانوان کرسی درس داشت و از بانوان نیکوکار و کریم بود و یتیمان و بینوایان و نیازمندان به او رجوع می‌کردند و در مسائل فقهی و علمی فتوا می‌داد. مجموعه المسائل، رسائل فی الفقه، بعض الرسائل العرفانیه از جمله تألیفات او هستند که همه آن‌ها در کتابخانه نواده‌هایش خاندان شیخ الاسلام قزوینی موجود است (همان، ج ۴، ۱۰۴).

۱۲۸. زهرا برغانی قزوینی، دختر شیخ محمد صالح بن شیخ ملاحمد ملائکه ابن شیخ محمد تقی ابن شیخ محمد جعفر بن شیخ محمد کاظم برغانی قزوینی از خانواده صالحی بود که در قزوین حدود سال ۱۲۴۰ متولد شد و حدود سال ۱۳۲۰ از دنیا رفت. وی بانویی فقیه، مفسر، واعظ، حافظ قرآن و از بانوان عابد و عامل به مناسک و اعمال عبادی بود که مقدمات، صرف و نحو و علوم عربی و ادبیات را از خواهرش قره‌العین فراگرفت. فقه و اصول و حدیث و تفسیر را نزد پدرش شیخ محمد صالح متوفای (۱۲۷۱) و عمویش شهید ثالث (شهید ۱۲۶۳) آموخت و عرفان را از عموی دیگرش شیخ ملاعلی برغانی و فلسفه را از شیخ ملا آغا حکمی قزوینی و برادرش شیخ میرزا عبدالوهاب برغانی فرا گرفت. هنگامی که به سن رشد رسید با پسر عمویش شیخ میرزا ابوالقاسم فرزند شهید ثالث که بزرگان زمان خویش بود ازدواج کرد که شیخ میرزا مهدی و شیخ ابوتراب شهید قزوینی نتیجه این پیوندند. وی فقه و اصول را از همسرش نیز یاد گرفت و احکام شرعی را استنباط می‌کرد. به تدریس علم مشغول و از زنان فاضل زمان خود شد (همان، ج ۵، ۳۱۸).

۱۲۹. نرگس برغانی قزوینی، دختر شیخ محمد صالح بن شیخ محمد ملائکه بن... شیخ ملا محمد کاظم برغانی قزوینی (که شرحشان گذشت) از خاندان صالحی است. حدود سال ۱۲۴۰ زاده شد. هنگامی که به سن بلوغ رسید با پسر عمویش شیخ جعفر فرزند شهید ثالث، که از بزرگان زمان خویش بود، ازدواج کرد و خدیجه و سکینه - که هر دو

از زنان فقیه، عالم و فاضل زمان خویش شدند — ثمره این ازدواج اند. نرگس با همسرش به کربلا مهاجرت کرد و در صدر و عظمی و تدریس و ارشاد قرار گرفت و به شیخیه تمایل پیدا کرد، ولی در اواخر عمر ریاضت را کنار گذاشت. وی خواهر خدیجه برغانی و ربابه برغانی قزوینی است. نرگس در سال ۱۳۲۲ در کربلا فوت کرد و در رواق شرقی نزد قبر سید کاظم رشتی مدفون شد. نرگس از بانوان با هوش و ذکاوت، وسعت ادراک، محدث، عالم، فقیه، آگاه به علم کلام، حافظ قرآن کریم، عابد و زاهد دنیا بوده است. نحو، صرف، منطق، علوم عربی و ادبیات را نزد خواهرش معروف به قره‌العین آموخت. سپس فقه و اصول و تفسیر را از پدرش شیخ محمد صالح برغانی و عمویش شهید ثالث فرا گرفت و عرفان و سایر علوم را از عموی دیگرش شیخ ملا علی برغانی اخذ کرد و فلسفه را نزد آخوند شیخ ملا آغا حکمی قزوینی و برادرش شیخ میرزا عبدالوهاب برغانی تلمذ کرد (همان، ۴، ۲۱۲).

۱۳۰. آغا بیگم طباطبائی نجفی اصفهانی، دختر سید محمد علی بن سید عابدین... طباطبائی نجفی اصفهانی بروجردی که در سال ۱۳۲۳ هـ. ق از دنیا رفت، بانویی فقیه، محدث، عابد، زاهد، متکلم و خطیب و از زنان فاضل زمان خویش بود و مقدمات و عربی را از افاضل علما زمان خود گرفت. هنگامی که به سن رشد رسید با سید علی طباطبائی بروجردی ازدواج کرد و آیت‌الله سید حسین بروجردی مرجع معروف متوفای ۱۳۸۰ ق ثمره این ازدواج بود. خانواده‌اش از خاندان طباطبائی از خاندان علم و فضیلت فراوان در بروجرد بودند. این بانو در بروجرد از دنیا رفت و طبق وصیتش در وادی السلام نجف اشرف به خاک سپرده شد.

۱۳۱. قرائت شیرازی، بانویی عالم و فاضل در زمان خویش بود که در شیراز متولد شد. وی نزد میرزا ابراهیم محلاتی و میرزا هدایت‌الله شیرازی تلمذ کرد و از ایشان اجازه نقل روایت داشت. سپس ساکن کربلا شد و در آنجا به تدریس کتب اربعه برای خانم‌ها پرداخت. قرائت از آیت‌الله سید شهاب‌الدین مرعشی اجازه شفاهی نقل روایت داشته و به ایشان اجازه داده است. (موسوی جزائری تستری ۱۴۰۹: ۲۴۶). بانو قرائت در سال ۱۳۴۱ در کربلا درگذشت و در همان شهر مدفون شد (مرعشی نجفی ۱۴۱۴: ۲۴۶).

۱۳۲. ضیافت شیرازی، زنی عالم، ادیب و شاعر و از زنان فاضل زمان خویش بود، در شیراز متولد شد و ادبیات را نزد شخصی به نام شیخ مفید - که از ادبا و شعرا بود - فراگرفت و پس از آن به کربلا مهاجرت کرد و در آنجا به فراگرفتن فقه و اصول پرداخت و به مدارج عالی رسید. ضیافت از آیت‌الله سیدشهاب الدین مرعشی (ره) اجازه شفاهی برای نقل روایت داشته است. (همان، ۲۴۷). ضیافت در سال ۱۳۴۲ در کربلا درگذشت و در همان‌جا مدفون شد. علامه سید مرتضی کشمیری از مشایخ بانو ضیافت بوده است. (موسوی جزائری ۱۴۰۹: ۲۴۶؛ مرعشی نجفی ۱۴۱۴: ۲۴۷).

۱۳۳. ثریا محسنی، بانویی عالم و فاضل و ساکن کربلا بود و قبل از سال ۱۳۴۲ در عتبات (کربلا یا نجف) از آیت‌الله سیدشهاب الدین مرعشی اجازه روایت گرفت. در درس فقه و اصول و حدیث میرزا محمد هندی شرکت می‌کرد و به بانوان درس فقه و اصول و حدیث می‌داد و از اساتیدش میرزا محمد هندی، حاجی نوری، میرحامد حسین هندی و سیدمحمد حسین مرعشی شهرستانی روایت نقل می‌کرد. ثریاخاتم به برخی از بانوان، فقه و اصول و حدیث درس می‌داد (موسوی جزائری ۱۴۰۹: ۲۴۶؛ مرعشی نجفی ۱۴۱۴: ۲۴۶).

۱۳۴. ربابه الهی دختر عالم زاهد، آیت‌الله آقا میرزا محمد رضا الهی (د. ۱۳۶۱ ه. ق)، در سال ۱۲۹۴ شمسی در شهر اصفهان، در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در محضر پدر گذراند و از محضر مجتهد امین و شیخ مرتضی اردکانی بهره برد. بیشترین عامل پیشرفت این بانو، تشویق و ترغیب پدرش بود که خود از مدرسان حوزه علمیه اصفهان در زمینه فقه و اصول بود. از خاتم الهی آثار و تألیفات متعددی باقی مانده است که بیشتر آن‌ها جنبه اخلاقی و معنوی دارد و مشتمل بر توضیح آیات، روایات و حکایات است. از جمله آثار وی، می‌توان الجنة و الرضوان، توحید، چهل حدیث، لؤلؤ و مرجان و الدر و الیاقوت را نام برد. بانو ربابه دو بار قرآن کریم را با دست خط خود به رشته تحریر درآورد. از شدت علاقه به کسب علم، ازدواج نکرد و در سن ۶۵ سالگی به سبب بیماری سرطان در غروب روز شنبه هفدهم خرداد ماه ۱۳۵۹ شمسی

برابر با ۲۳ رجب ۱۴۰۰ هـ. ق فوت کرد و در جوار قبر پدرش در تکیه بروجردی واقع در تخت فولاد اصفهان به خاک سپرده شد (ریاحی ۱۳۷۵: ۶۷).

۱۳۵. نصرت امین، علویه جلیل القدر، دختر حاج سید علی امین التجار بود که مادرش دختر حاج مهدی، ملقب به جناب بوده است که در سال ۱۳۰۸ هـ. ق. در اصفهان زاده شد. با پسرعمویش، حاج میرزا، ملقب به حاج معین التجار، ازدواج کرد. فرزندان او فوت کردند و تنها یک فرزند صالح از وی به جای مانده است (الحسون ۱۴۱۱: ۲۳۳). سیده امین در سال ۱۴۰۴ در اصفهان درگذشت. این بانوی محترم، زنی عالم، فاضل، فقیه، محدث، شاعر، حکیم و مفسر بود و اکثر علوم را نزد علامه فقیه میر سیدعلی اصفهانی نجف آبادی، و شیخ مظاهری اصفهانی، در منزل خویش در پشت پرده فرا گرفت. کلیه دروس نحو، صرف، بلاغت، تفسیر، علوم حدیث، فقه و اصول و فلسفه را به خوبی آموخت و در آن‌ها مهارت یافت، به حدی که به درجه اجتهاد رسید و قادر به استنباط احکام شرعی شد. از علمای شیعه زمان خویش همچون آیت‌الله شیخ محمد کاظم شیرازی، و شیخ عبدالکریم حائری، آیت‌الله شیخ ابراهیم حسینی شیرازی اصطهباناتی، آیت‌الله شیخ محمد رضا نجفی اصفهانی، حجة الاسلام شیخ مظاهری نجفی اصفهانی و آیت‌الله مرعشی نجفی اجازه روایت کسب کرد و برخی از ایشان همچون آیت‌الله مرعشی نجفی، از وی اجازه روایت گرفتند.

سیده امین در اصفهان فقه و اصول درس می‌داد و عده‌ای از زنان عالم تربیت کرد. این بانوی عالم، صاحب تألیفات است که برخی فارسی و برخی عربی‌اند؛ از جمله: رساله الاربعین الهاشمیه، النفحات الرحمانیه فی الواردات القلبیه، مخزن العرفان (تفسیر قرآن) و... بلاغت و فصاحت، کمالات نفسانی و کرامات مختلف که خداوند سبحان نصیب او فرموده از مقدمه کتاب النفحات الرحمانیه آشکار است.

مجتهد امین در اول رمضان ۱۴۰۳ در اصفهان چشم از جهان فرو بست و بیکرش با احترام و جلال تشییع شد و بازارها بمناسبت رحلت این عالمه جلیل القدر تعطیل شد و در تخت فولاد اصفهان مدفون گردید سپس بر قبر او قبه و بنایی ساخته شد که محل زیارت خاص و عام گردید.

این عالم جلیل‌القدر از عده‌ای از علما و بزرگان شیعه روایت کرده است که عبارت‌اند از: علامه آیت‌الله شیخ محمد رضا نجفی اصفهانی مسجد شاهی، از علامه ابو محمد حسن صدر موسوی عاملی از عالم جلیل‌القدر حاج مولی علی خلیلی رازی از شیخ او، عالم جلیل‌القدر شیخ عبدالعلی رشتی از دو عالم بزرگ شیخ جعفر صاحب کتاب کشف‌الغطاء و سید علی طباطبائی صاحب کتاب الریاض از استادها و شیخ‌های ایندو: مولی محمد باقر وحید بهبهانی از پدر ایشان محمد اکمل از علامه شیروانی و مولی جمال‌الدین خوانساری و شیخ جعفر قاضی و مولی محمد باقر مجلسی همگی از مولی محمد تقی مجلسی از شیخ‌بهای و از پدر جلیل‌القدرش حسین بن عبدالصمد از استادش و شیخش شهید ثانی (مرعشی نجفی ۱۴۱۴: ۲۴۶-۲۴۵).

دیگر از آثار زحمات بانو امین، یکی دبیرستان دخترانه امین است که تا چندی، قبل از رحلت هفته‌ای یک روز برای تدریس تفسیر قرآن به آن مدرسه می‌رفتند. دیگر مکتب فاطمه (س) است که منحصر به دروس دینی و کلاس‌های فارسی، عربی، تفسیر، فقه، اصول، فلسفه و منطق است (همایونی ۱۳۷۱: مقدمه).

خوشبختانه به برکت انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی و به کمک سخنان و رهنمودهای آن بزرگوار در بیست سال اخیر زنان ایرانی پیش از پیش به وادی علوم الهی در دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه قدم نهاده و با جدیت و پشتکار و علاقه فراوان با وجود عهده‌دار بودن مسئولیت‌های خانواده و تربیت فرزندان در تحصیل و تدریس در علوم اسلامی پرداخته‌اند و علاوه بر پی‌م‌ودن مدارج عالی علمی به تألیف در علوم حدیث، قرآن و الهیات و علوم تربیتی و مسائل حقوقی با کمک احادیث و آموزه‌های اسلامی پرداخته‌اند.

نتیجه

آنچه از این تحقیق به طور خلاصه حاصل شد، این‌که: بیشترین نقش زنان در فراگیری و آموزش و نقل حدیث را بانوان ناحیه علم خیز اصفهان، مهد علم و حوزه‌های علمیه داشته‌اند و پس از ایشان زنان خراسان عهده‌دار این مهم بوده‌اند که به دنبال آنان زنانی

از خاندان‌های علمای قزوین، سیراز و سپس ناحیه شمالی ایران، و پس از آنان بانوان عالمی از همدان، کاشان، تهران در نشر حدیث معصومین و علوم آن مؤثر بوده‌اند.

در این مقاله حدود ۱۳۵ نام از بانوان مشهور و مذکور در کتب آمده است که در تعلیم، تعلّم و نشر حدیث و علوم آن از طریق سماع، قرائت، نقل یا اجازه داشتن یا اجازه نقل دادن فعال بوده‌اند. البته تعداد زنان عالم و فقیه ایرانی بیش از این تعداد بوده‌اند، اما به دلایلی در ضبط نام و احوال آنان کوتاهی شده است. بررسی کتب تراجم و علما و رجالی نیز حاکی از تعداد بیشتری زنان عالم ایرانی است اما چون در این مقاله به مسئله حدیث توجه داشته‌ایم، تحقیق خویش را بر این مطلب متمرکز ساختیم، بدین سبب از ذکر نام بسیاری از بانوان عالمی که در شرح حالشان مطلبی در خصوص حدیث یافت نشده، همچون مریم بیگم مجلسی و مادرش زینب بیگم دختر شیخ محمد صالح مازندرانی؛ فاطمه اشرف السادات حسینی رامسری؛ فاطمه لاری و... خودداری شده است.

امید است، زنان جامعه اسلامی ما با شناخت این نمونه‌ها، که بسیاری از ایشان الهام‌گرفتگان برترین زنان عالم امکان، اسوه طهارت و تقوا و علم، زهرا (س) هستند، در راه علم و معرفت حقیقی ثابت قدم‌تر و درخشان‌تر زندگی کنند.

منابع و مأخذ

- آقا بزرگ طهرانی، محمد حسن (۱۴۰۳ / ۱۹۸۳)، الذریعه الی تصانیف الشیعه، چاپ سوم، بیروت، دارالاضواء.
- ابوشیخ انصاری، عبدالله بن محمد (۱۴۰۸ / ۱۹۸۸)، طبقات المحدثین باصبهان و الواردین علیها، تحقیق عبدالغفور عبدالحق حسین بلوشی؛ بیروت، مؤسسه الرساله.
- ابونعیم اصبهانی، احمد بن عبدالله (۱۴۱۰ / ۱۹۹۰)؛ تاریخ اصبهان (ذکر اخبار اصبهان)؛ تحقیق سید کسروی حسن، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- افندی اصفهانی، عبدالله (۱۳۶۶)؛ ریاض العلماء و حیاض الفضلاء؛ ترجمه محمد باقر ساعدی؛ مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس.
- الحسون، محمد و ام علی مشکور (۱۴۱۱)، اعلام النساء المؤمنات، قم، انتشارات اسوه.

- امین، حسن (۱۴۱۰): مستدرکات اعیان الشیعه؛ بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- تهامی، فاطمه سادات (۱۳۸۰)، نقش ایرانیان در تدوین و نشر حدیث (تا پایان قرن چهارم)، انتشارات سوره مهر، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- دهخدا، علی اکبر [بی تا]: لغت نامه؛ دانشگاه تهران.
- ذهبی، شمس الدین محمد (بی تا)، تذکرة الحافظ؛ ۴ ج، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- رمضان یوسف، محمد خیر (۱۴۱۸ / ۱۹۹۷)؛ تکملة معجم المؤلفین، دار ابن حزم، بیروت.
- زرکلی، خیرالدین (۱۴۰۶ / ۱۹۸۶): الاعلام، قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء؛ بیروت، دارالعلم للملایین.
- سمعانی تمیمی، ابوسعید عبدالکریم بن محمد (۱۳۹۵) التبحر فی معجم الکبیر؛ تحقیق: منیره ناجی سالم؛ بغداد، ریاشه دیوان الاوقاف.
- صدر، حسن (۱۴۰۶)؛ تکملة أمل الآمل؛ تحقیق احمد حسینی؛ قم، مطبعة الخیام.
- کحاله، عمر رضا (۱۴۰۴ / ۱۹۸۴)، اعلام النساء فی عالمی العرب و الاسلام، ۵ ج، چاپ پنجم، بیروت، مؤسسه الرساله.
- محلاتی، ذبیح الله (۱۳۶۸)، ریاحین الشریعه در ترجمه دانشمندان بانوان شیعه؛ ۶ ج، چاپ پنجم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (۱۴۱۴)، الاجازة الکبیرة او الطریق والمحجة لثمره، قم، مکتبة آية الله المرعشی النجفی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۲)، خدمات متقابل ایران و اسلام، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات صدرا.
- _____ (۱۴۱۴ / ۱۹۹۳)، معجم المؤلفین؛ مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۱۴ هـ - ۱۹۹۳ م.
- موسوی جزائری تستری، سید عبدالله (۱۴۰۹)؛ الاجازة الکبیرة؛ تحقیق محمد السهامی الحائری؛ قم، مکتبة آیت الله مرعشی.
- همایونی، علویه (۱۳۷۱)، ترجمه اربعین الهاشمیه، نشاع اصفهان.